



# ذهن زیبا، کلید حل مسائل

رابطه الگوی حل مسئله با تربیت زیبایی‌شناختی

## اشاره

توجه به تربیت زیبایی‌شناختی و آنچه در سند تحول از آن یاد شده است، یادآور نظم و برنامه است. در آموزش و فرایند یاددهی یادگیری نیز آنچه اهمیت بسیار دارد، طراحی مناسب و اجرای درست آن است که به نظم و برنامه‌ریزی وابسته است. این نگاه در زیبایی‌شناختی می‌تواند رهنمون برگی جدید از این ساحت باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که کدام شیوه‌ها در طراحی آموزشی به ایجاد نظم و الگوی مبتنی بر برنامه تکیه دارد؟ در پاسخ می‌توان گفت، شیوه‌های مبتنی بر حل مسئله راهگشا و سازنده هستند. در ادامه، بخشی از رویکرد حل مسئله آمده است که با ساحت زیبایی‌شناختی مرتبط است.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، حل مسئله، ساحت، زیبایی‌شناختی

## زیبایی‌شناختی در آموزش

در معرفی ساحت تربیت زیبایی‌شناختی در سند تحول چند ویژگی آمده‌اند:

- ❶ بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی؛
- ❷ ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متربیان؛
- ❸ کسب توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی (مادی یا معنوی)؛
- ❹ کسب توان خلق آثار هنری؛
- ❺ رسیدن به قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری.

در این تعریف، رشد قوه تخیل به رشد تربیت زیبایی‌شناختی منوط شده است. با این نگاه، چه شرایطی برای رشد قوه خیال و پرورش عواطف لازم است؟ پیداکردن و شناسایی این شرایط می‌تواند به تقویت تربیت زیبایی‌شناختی بینجامد.

## اصل مهم در زیبایی‌شناختی

نظم و برنامه‌ریزی از جمله اصول مهم در فرایند یاددهی‌یادگیری و در تمامی امور است که به‌نوعی با نظام ارتباط دارند. در شرایطی که همه چیز در جای درست خود قرار دارد و در عین حال برنامه‌ها با چارچوب مشخصی به اجرا در می‌آیند، ذهن با آسایش بیشتری می‌تواند به خلاقیت و نوآوری بپردازد. درست در مقابل این شرایط، هنگامی که آموزش یا دیگر برنامه‌های مرتبط با آن، نظم نداشته باشد، مجال برای پرداختن به خلاقیت نمی‌ماند. در این باره برخی معتقدند، خلاقیت در آشفتنگی رشد می‌کند و بدیهی است آن بی‌نظمی، از مسئولیت معلم در فرایند یاددهی-یادگیری متفاوت است.

معلم، به‌عنوان طراح آموزشی، مسئولیت دارد برنامه آموزشی را مطابق با الگوی معینی طراحی کند و هر مرحله را به درستی در جای خود قرار دهد. به تجربه‌ای در این باره توجه کنید:

## تجربه کلاسی

در هر تجربه کلاسی با معلمان معمولاً این پرسش مطرح می‌شد که چرا باید طرح درس بنویسیم؟ همین پرسش مانع از آن می‌شد که متوجه اهمیت طراحی آموزشی شویم. برای این منظور کوشیدیم طرح درس را به ساده‌ترین شکل ممکن در آورم و بر زمینه مشارکت معلمان و توجه به طراحی آموزشی بیفزاییم.

برای اینکه این موضوع برای مخاطبان بهتر شکل بگیرد، در یکی از جلسات تلاش کردم طوری وانمود کنم که از پیش طرحی ندارم و نمی‌دانم دقیقاً می‌خواهم چه کارهایی انجام دهم. در همان دقایق اولیه صدای همه در آمد. با تعجب از

اینکه احتمالاً برای من اتفاقی رخ داده که همه چیز آشفته است، می‌پرسیدند گام بعدی چیست و می‌خواهم در کلاس چه کارهای دیگری را دنبال کنم؟

در این شرایط که توانسته بودم نشان دهم کلاسی که طرح از پیش تعیین‌شده نداشته باشد، چه شکلی پیدا می‌کند، گفتم، این دقیقاً هدف کلاس امروز است. طراحی آموزشی، به‌ویژه در بخش قبل از آغاز کلاس، بسیار اهمیت دارد. آشفتنگی ناشی از نبود برنامه‌ریزی اتفاقات ناخوبی را در فرایند یاددهی‌یادگیری رقم می‌زند. به همین دلیل، نظم حاصل از طراحی آموزشی و نگارش طرح درس، حتی در شکل ساده آن، جزئی جدایی‌ناپذیر از موفقیت در آموزش است. کاملاً روشن بود که همکارانم در این کلاس، بعد از شنیدن این حرف‌ها و دانستن اینکه بی‌نظمی‌های دیده‌شده دلیلی داشته‌اند، با خیال راحت و حس خوبی با کلاس همراه شدند.

## نظم و برنامه‌ریزی همراه با حل مسئله

یکی از زیبایی‌های نظم و داشتن برنامه این است که با اصول حل مسئله منطبق است. در حل مسئله تلاش می‌کنیم با رعایت تمام جوانب و شرایط، بهترین راه را برای مسئله موجود برگزینیم. بنابراین، مهم است که حتماً با نظم و طی مراحل از قبل تعیین‌شده پیش برویم. در گام اول، شناخت مسئله قرار دارد. این مرحله از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی آن را برابر با حل ۷۰ درصد از مسئله می‌دانند. در گام‌های بعدی نیز سایر مراحل گنجانده شده‌اند که دقیقاً نیازمند نظم و برنامه‌ریزی است. برای اینکه بدانیم در حل مسئله تا چه اندازه از تبحر و تخصص برخورداریم و نیز برای اینکه این توانایی را در آینده نظم و زیبایی بررسی و تحلیل کنیم، در ادامه به چهار سطح اشاره شده است. سطح‌ها از کم به زیاد چیده شده‌اند و نشان می‌دهند تا چه اندازه در مسیر درستی از این مهارت قرار دارید.

## تجربه کلاسی

به نظر می‌رسد تمام فرایندهای یاددهی‌یادگیری به‌نوعی حل مسئله هستند. من به‌عنوان معلم به‌طور مداوم باید بسنجم که در برخورد با مراحل تدریس چه گام‌هایی را تغییر دهم و با توجه به شرایط دانش‌آموزان و نیز سطح انتظارات از کلاس، چه تصمیم‌هایی برای ادامه فعالیت‌ها بگیرم. در این باره ممکن است اتفاقات و رخداد‌های گوناگونی روی دهند که گاهی تصور می‌کنم در همان گام اول دچار مشکل شده‌ام، چون نتوانسته‌ام مسئله را به درستی تشخیص دهم. برای مثال، دیروز یکی از دانش‌آموزانم سؤالی از درس پرسید. من هم چند دقیقه کامل آن را شرح دادم، اما در

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد

معلمان با تکیه بر الگوی حل مسئله می‌توانند زیبایی آفرینی در دل نظم و برنامه را تمرین کنند

## سطح پایه

نهایت متوجه شدم اصلاً مشکل درسی نداشته است و فقط می‌خواسته توجه مرا جلب کند. مشابه این موقعیت‌ها در ارتباط با دانش‌آموزانم به‌وفور رخ می‌دهد. تصور می‌کنم بیش از هر چیز نیاز دارم در رابطه با تشخیص مسئله مهارت بیشتری پیدا کنم.

اولین سطح در حل مسئله و نیز در هر نوع برنامه‌ریزی و ایجاد نظم در امور، شناخت درست مسئله است. این گزاره‌ها نشان می‌دهند آیا در این سطح قرار داریم:

می‌توانم مشکلات خودم را تشخیص دهم.  
شاید نتوانم مسائل را حل کنم، اما حداقل می‌دانم چه مشکلاتی دارم و می‌توانم در میان اطرافیان یا دوستان و آشنایان و متخصصان و کارشناسان، فرد یا افرادی را که می‌توانند به حل مشکلاتم کمک کنند تشخیص دهم.  
در این سطح، هر چند با توانایی حل مسئله فاصله وجود دارد، اما مهارتی مورد نظر است که به شناخت درست مسئله اشاره می‌کند. تأمل در مواجهه با مسئله برای توانمندسازی در این سطح بسیار با ارزش و مؤثر است. برای این منظور لازم است پس از رویارویی با هر مسئله:

- آن را به‌دقت ارزیابی کنیم؛
- با نمونه‌های قبلی مقایسه کنیم؛
- قبل از تصمیم‌گیری برای اقدام، بکوشیم اطمینان حاصل کنیم آیا مسئله همین است که دریافت کرده‌ایم؛
- با افراد دیگر و به‌ویژه کسانی که تخصص یا تجربه بیشتری دارند مشورت کنیم.

## سطح میانی

در این سطح از حل مسئله، فرد چند ویژگی دارد:  
نه تنها در تشخیص مسئله توانمند هستیم، بلکه معمولاً می‌توانم راهکار مناسب را نیز برای آن انتخاب و اجرا کنم.  
برای بهبود کیفیت تحلیل و تصمیم‌گیری به دیگران هم مراجعه می‌کنم.  
از قدرت ریشه‌یابی و تحلیل و انتخاب راه‌حل بهره‌مند هستم.

در این سطح از توانایی برای حل مسئله، قابلیت رشد یافته است که فرد را برای ادامه مسیر در مواجهه با مسائل گوناگون مستقل می‌کند. در حرفه معلمی این سطح از توانایی بسیار ضروری است.

## تجربه کلاسی

همکاری داشتیم که در تمام مدت تدریس عادت داشت هر وقت مشکلی با دانش‌آموزان پیش می‌آمد، به دفتر مدرسه مراجعه کند، از معاون یا مدیر مدرسه کمک بگیرد

و در نهایت با پا درمیانی مسئله را به‌اصطلاح حل‌وفصل کند. این کار او همیشه برای من سرزنش‌آمیز بود. البته در نقطه مقابل، برخی دیگر از معلمان او را تحسین می‌کردند که به‌خوبی و با سرعت با بی‌انضباطی دانش‌آموزان مقابله می‌کند.

نکته مهم این بود که اولاً دانش‌آموزان با او رابطه خوبی نداشتند و غالباً از بودن در کلاس ایشان استقبال نمی‌شد. مهم‌تر اینکه رعایت نظم توسط دانش‌آموزان در این کلاس همیشه در سطح تظاهر باقی می‌ماند و دانش‌آموزان تلاش می‌کردند دور از چشم ایشان و بیشتر از کلاس‌های دیگر شیطنت‌های پنهانی داشته باشند.

به نظر من، این نوع از حل مسئله در کلاس ایشان مشکلات فراوانی دارد، چون هم در تشخیص درست مسئله مشکل وجود دارد و هم در پیدا کردن راه‌حل درست. میانجیگری و کمک گرفتن از همکاران دیگر زمانی تأثیرگذار است که لازم باشد از تجربه و تخصص آن‌ها استفاده شود و نه لزوماً برای ترساندن یا ایجاد جوی که حس بی‌اعتمادی و بی‌کفایتی معلم را برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کند.

## سطح پیشرفته

در سطح بالاتری از حل مسئله، علاوه بر توانایی‌های مربوط به دو سطح بالا، قابلیت‌های زیر نیز ایجاد می‌شوند:  
می‌توانم در تشخیص مشکلات دیگران به آن‌ها کمک کنم

گاهی اوقات که اطرافیان و همکارانم در میانه مشکلات قرار دارند و به همین علت به‌سادگی نمی‌توانند وجود این مشکلات را تشخیص دهند یا آن‌ها را ریشه‌یابی کنند، می‌توانم برای کمک به آن‌ها به نقشی با یک نگاه بی‌طرف با سوگیری کمتر، تبدیل شوم.

مطالعات نشان داده‌اند، ابراز همدلی و تلاش برای کمک‌رسانی به دیگران می‌تواند در تقویت مهارت حل مسئله در این سطح تأثیرگذار باشد. هنگامی که تلاش می‌کنید مسئله را از نگاه دیگران ببینید و راهی برای حل آن پیدا کنید یا راهنمایی خوبی در اختیار دیگری قرار دهید، این کار به افزایش توانایی شما در حل مسئله در این سطح منجر می‌شود.

## تجربه کلاسی

زمانی که موضوع درس پژوهی و درس‌کاوی مطرح شد، احساس کردم می‌توانم بدون مزاحمت و در عین حال با تأثیر خوب وارد کلاس‌های همکارانم شوم و از آن‌ها بیاموزم. در درس‌پژوهی تجربه جالبی ایجاد شد. در این شرایط، مسئله هر کدام از ما به مسئله‌ای مشترک تبدیل



مشکل، ایجاد شراکت در مسئله نیست. او قادر است برای تقویت و افزایش توانایی حل مسئله در دیگران قدم بردارد و استقلال در مراحل حل مسئله از شناخت مسئله تا اقدام برای حل آن را تجربه کند.

### کوتاه سخن

در ساحت تربیت زیبایی‌شناختی، بر ایجاد توانایی‌های مرتبط با هنر و زیبایی تمرکز می‌شود، به گونه‌ای که معلم و دانش‌آموزان بتوانند ذات هنر را درک کنند و زیبایی را بشناسند. بدیهی است، با تکیه بر سخن شریف «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد» (کنز العمال، ۱۷۱۶۶)، از جمله امور مهم در طراحی آموزشی، توجه به زیبایی و هنر است. در این تعریف ذات مشترکی وجود دارد که از آن به عنوان نظم و برنامه‌ریزی می‌توان نام برد. به دیگر سخن، زیبایی در نظم نهفته است و نظم با برنامه‌ریزی در هم آمیخته است. طراحی آموزشی و فرایند یاددهی‌یادگیری بدون طراحی و برنامه‌آز قبل تعیین شده نیز همان سرنوشتی را دارد که به دور از زیبایی رقم خورده است. با این نگاه و برای داشتن برنامه و گام‌هایی اجرایی در مسائل پیرامون آموزشی، الگوی حل مسئله بسیار ضروری است. معلمان با تکیه بر الگوی حل مسئله می‌توانند توانایی بیشتری برای زیبایی‌آفرینی در دل نظم و برنامه را تمرین کنند.

### منابع

۱. تریسی، برایان (۱۳۹۴). خلاقیت و حل مسئله. ترجمه رامک فدائیان. فرا. تهران.
۲. رنجبر، حسین و پورمند، سمیه (۱۳۹۸). لذت حل مسئله. ملارد. کرج.
۳. ایکاف، راسل (۱۳۹۷). هنر حل مسئله با حکایت‌های ایکاف. ترجمه تقی ناصر شریعتی. رسا. تهران.
۴. آقازاده، محرم و همکاران (۱۳۹۶). گره‌گشایی در روز روشن: مهارت تعارض و حل مسئله. مرکز نوآوری‌های آموزشی مرات. تهران.

شد و تلاش کردیم از دریچه نگاه خودمان به حل مسئله بنگریم. حس مشترک ایجادشده به‌مرور توانایی بالاتری را به همراه داشت. تا پیش از این، وقتی همکاران در دفتر مدرسه در خصوص مشکلات کلاسی صحبت می‌کردند، دیگران تنها در حد دلداری‌دادن او را همراهی می‌کردند و لزوماً به حل مسئله فکر نمی‌کردند. اما پس از تجربه درس‌پژوهی، غالباً وقتی مسئله‌ای مطرح می‌شود، بقیه به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی آن موضوع به خودشان ربط دارد و باید برای حل آن مشارکت بیشتری داشته باشند. آخرین تجربه به مشکل یکی از معلمان برای انجام آزمایش در کلاس مربوط بود که بچه‌ها مطابق درخواست قبلی وسایل را همراه نداشتند. هر کدام از معلمان دیگر تجربه خودشان را در این باره در میان گذاشتند و نتیجه این شد که معلم مربوطه اذعان داشت برای اولین بار، با حداقل وسایل موجود، بهترین تجربه کار مشترک را در کلاس داشته است.

### سطح خبرگی

وقتی به خبرگی می‌رسیم، این ویژگی‌ها حادث می‌شوند:

- می‌توانم به دیگران کمک کنم تا مهارت حل مسئله خود را بهبود بخشند.
- می‌توانم به دیگران کمک کنم در زمینه تشخیص مسائل و جست‌وجوی راهکارها و اقدام برای رفع آن‌ها، به سمت استقلال از دیگران گام بردارند و اگر هم دیگران را به کار می‌گیرند، مسئولیت نهایی راهکار انتخاب‌شده را آگاهانه بر عهده بگیرند.

در این سطح از توانایی، فرد فارغ از مسئله خود، می‌تواند به مسئله دیگران توجه کند. لازمه مشارکت برای حل

در طراحی آموزشی، نظم و برنامه‌ریزی دارای جایگاه مهمی است که ریشه در زیبایی دارد



فیلم مکمل



فیلم اهمیت نظم و ترتیب